



خاطراتی از احداث راه آهن ایران

رضاشاه:
من اقتصاد دانم یا میلیسپو؟

دکتر سیدمحمد رضا جلالی نائینی



ملی ایران منصوب شد. در ۱۳۱۱، روابط مالی میان ایران و آلمان به صورت چشمگیری گسترش یافت. در ۱۳۱۴، دکتر ساخت، وزیر اقتصاد آلمان، به ایران آمد و معاهده‌ی تجاری عمده‌ی میان دو کشور امضا شد.

احداث خط آهن سرتاسری ایران که یکی از آرزوهای رضاشاه بود و با میلیسپو در این باره مذاکره کرده بود و میلیسپو گفته بود بدون وام خارجی نمی‌توان راه آهن سرتاسری ایران را از بندر شاپور به بندر شاه در حوالی مرز ایران احداث کرد.

احداث خط آهن سرتاسری ایران، با ۲۱۰۰ پل و ۲۲۴ تونل، در مسافتی بالغ بر ۱۲۰۰ کیلومتر، بندر شاپور را در خلیج فارس به بندر شاه در نزدیکی مرز شوروی متصل می‌ساخت که تحت نظارت مهندسی آلمانی ساخته شد، بی آن که دولت ایران ناگزیر به دریافت وام خارجی گردد و این عمل با افزایش یک ریال عوارض و مالیات به هر کیلو قند و شکر صورت پذیرفت.

هنگامی که علی اکبر داور از وزارت دادگستری به وزارت دارایی منتقل شد، در صدد برآمد دو دفتر اقتصادی در اروپا و یک دفتر اقتصادی در امریکا تأسیس نماید.

زنده یاد اللهیار صالح به سرپرستی دفتر اقتصادی ایران در امریکا گماشته شد و او را به رضاشاه معرفی کرد و رضاشاه با نظر مساعد اللهیار صالح را شایسته‌ی این خدمت دانست و او را اجازه‌ی عزیمت به امریکا داد. هنوز چند قدمی از خدمت رضاشاه دور نشده بود که رضاشاه صدا زد: برگرد! و چون برگشت، به او گفت: حالا که به امریکا می‌روی، سعی کن دکتر میلیسپو را هر جا که هست پیدا کنی و به او بگویی که: تو به من گفتی که بدون اخذ وام خارجی نمی‌توان راه آهن سرتاسری ایران را احداث کرد. من بدون وام خارجی این کار را انجام دادم، حالا من اقتصاددانم یا تو؟ و جواب آن را هر چه بود برای من بنویس.

اللهیار صالح به این جانب فرمود که چون به امریکا رسیدم، با زحمتی میلیسپو را پیدا کردم و با او ملاقات نمودم و سخن شاه را عیناً به وی باز گفتم. میلیسپو گفت: البته رضاشاه در این باره کار بزرگی انجام داده است و بعدها در کتابی هم که درباره‌ی ایران فراهم آورده، این عمل را، عمل برجسته‌ی و نمود ساخته است. ■

پی‌نوشت‌ها: ۱- رجوع شود به اثر ریچارد. ا. استوارت، ترجمه‌ی محقق ارجمند عبدالرضا هوشنگ مهدوی (= کاوه‌ی بیات)، صص ۱۴-۱۶، چاپ تهران، ۱۳۷۰.

□ پس از کودتای ۱۲۹۹ شمسی و سقوط حکومت سید ضیاءالدین طباطبایی، رضاشاه که در اثر جنگ‌های خود با رؤسای ایالات شورشی در ایران امنیت به وجود آورده بود، اندک اندک دارای قدرت و اقتدار بی‌مانندی شد و در صدد برآمد با جلب سرمایه‌ی خارجی و دعوت مستشاران و مهندسان مالی ایالات متحده‌ی امریکا تحت سرپرستی آرتور میلیسپو، به اصلاح و تجدید سازمان تشکیلات مالی ایران بپردازد.

میلیسپو، ابتدا به موفقیت‌هایی دست یافت و مأموریت خویش را در زمینه‌ی جمع‌آوری مالیات و افزایش عواید دولت ایران آغاز کرد. هم‌چنین اقداماتی در بهره‌برداری ذخایر نفتی ایران به عمل آورد و



زمینه را برای تأسیس یک بانک ملی فراهم ساخت و تعدادی از مهندسان امریکایی را به بررسی طرح احداث راه آهن سرتاسری ایران گمارد و نیز برای نظارت راه‌ها و احداث بزرگراه‌ها، مهندسی را استخدام کرد. ولی طولی نکشید که نظر مساعد رضاشاه از امریکایی‌ها برگشت و اندک اندک از اقتدار میلیسپو کاسته شد و در سال ۱۳۰۶، از خدمت استعفا داد و سایر مستشاران مالی امریکایی نیز پس از پایان مدت قراردادشان، ایران را ترک کردند. ^۱ آن‌گاه ایران به جانب مستشاران مالی آلمانی روی آورد.

شرکت هوایی یونکرس در سال ۱۳۰۷ اجازه‌ی فعالیت در ایران یافت و سال بعد دولت ایران با دولت آلمان معاهده‌ی کامله‌الوداد منعقد نمود. در سال ۱۳۰۸، دکتر لیندنبلات آلمانی به مدیریت بانک